

شماره: ۸۰۷		پیامدهای دخالت در نظام قیمت‌گذاری و ضرورت بازنگری آن
تاریخ: ۱۳۹۶/۰۶/۲۷		
تهیه‌کننده: دکتر فهیمه بهرامی		
توضیح اجمالی:		
تحلیل نظام قیمت‌گذاری ایران حاکی از نقش و تاثیر گسترده دولت در تعیین سطح و ساختار قیمت کالاها و خدمات مختلف است؛ بگونه‌ای که نظام قیمت‌گذاری کشور بجای اینکه ابزاری برای تحقق اهداف حمایتی و رفاهی باشد تبدیل به هدف نهایی شده است. از این‌رو دخالت در نظام قیمت‌گذاری به اصلی جدایی ناپذیر از سیاست‌ها، قوانین و مقررات تنظیمی در اکثر حوزه‌های فعالیت‌های اقتصادی مبدل شده است. در همین راستا نیز نهادها و قوانین زیادی با موضوع و رویکرد مداخله در نظام قیمت‌گذاری و البته با ماهیت متضاد به‌چشم می‌خورد. به‌عنوان نمونه، هرچند مواد قانونی متعدد نظیر بند «و» ماده ۹۹ قانون برنامه پنجم توسعه، ماده ۱۰۲ قانون مذکور، بند ۲۲ از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و ماده ۱۸ قانون توسعه نهادهای مالی جدید، ماده ۴۴ و ۴۵ اصل ۴۴ قانون اساسی و تشکیل نهادی به‌نام شورای رقابت در راستای کاهش سطح مداخله دولت در نظام قیمت‌گذاری در کشور بوده است، اما وجود مصوبه ۴۸۰۲۱ مورخ ۱۳۹۴/۴/۱۶ و طبقه‌بندی نمودن ظاهری کالاها با عنوان مشمول قیمت‌گذاری و مستثنی از قیمت‌گذاری از یکسو و دستورالعمل نرخ‌گذاری کالاهای تولیدی و وارداتی و نقش سازمان حمایت مصرف‌کنندگان در این میان از سوی دیگر وجاهت و اعتبار مواد قانونی اشاره شده را مورد تردید قرار می‌دهد. شایان ذکر است بند «الف» مصوبه ۴۸۰۲۱ هرچند به ظاهر سطح مداخله دولت را به تعیین سطح قیمت برای کالاهای با اولویت اول قیمت‌گذاری محدود می‌کند ولی بندهای "ب"، "ج" و "د" مصوبه مذکور با تغییر روش قیمت‌گذاری از تعیین سطح به تعیین ساختار براساس دستورالعمل نرخ‌گذاری سازمان حمایت این محدودیت را لغو نموده و تقریباً دامنه آن را به کلیه کالاها و خدمات بسط می‌دهد. در مجموع مهمترین چالش‌ها و پیامدهای نظام قیمت‌گذاری فعلی شامل موارد زیر است: - سرکوب قیمتی به بهانه کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از نوسان شدید قیمت‌ها در کوتاه‌مدت بدون درنظرگرفتن پیامدهای آن شامل دخالت نامتوازن در طول زنجیره ارزش کالاها و برهم زدن توازن سود در حلقه‌های زنجیره و مبهم نمودن آینده استراتژی‌های توسعه بنگاه‌ها - تحت‌الشعاع قرار دادن کیفیت کالاها و خدمات (بدلیل پایین نگاه داشتن قیمت) که اثر نامطلوبی بر رضایت و رفاه مصرف‌کنندگان در مقابل هزینه متحمل شده برای خرید کالا و خدمات به‌همراه دارد. - محدود نمودن آزادی انتخاب مصرف‌کننده و اجبار مصرف‌کننده به منطبق شدن با قیمت تعیین شده (از طریق دخالت در تعیین ضرایب سود کالاها و خدمات). - استفاده از روش‌های مبتنی بر هزینه در محاسبه قیمت (دستورالعمل فعلی نرخ‌گذاری) به‌عنوان مانعی برای ارتقای بهره‌وری و کاهش هزینه تمام شده - سیگنال‌دهی اشتباه به فعالان اقتصادی بواسطه انحراف در نظام قیمتی و تاثیرات منفی بر حوزه سرمایه‌گذاری، الگوی مصرف و ...		
نکات کلیدی:		
ریشه تنظیم قوانین و مقررات متعدد و در بسیاری موارد متضاد (مانند مصوبه ۴۸۰۲۱) ناشی از تبدیل شدن نظام قیمت‌گذاری به هدف (بجای بکارگیری آن به‌عنوان ابزار) است. از این‌رو برای دستیابی به ترکیب بهینه از مداخله دولت در کنار مکانیسم بازار رعایت موارد زیر غیرقابل اجتناب است: ۱. شناسایی تعارض‌ها و توجه به برقراری ارتباط منطقی میان مقررات و دستورالعمل‌ها با قوانین توسعه و اصول سیاست‌های کلان اقتصادی نظیر اصل ۴۴ و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین رفع تضاد بین مصوبات و قوانین اصلی با رویکرد همراهی با فرآیند اصلاح و انطباق توسط مکانیسم بازار. ۲. بازنگری در انتخاب گروه‌های کالایی مصوبه ۴۸۰۲۱ که بطور صریح اقلام مشخص و بطور ضمنی قیمت‌گذاری کلیه کالاها و خدمات را شامل می‌گردد. این بازنگری می‌تواند شامل تعیین اهداف، معیار انتخاب کالاهای مشمول قیمت‌گذاری و نحوه مداخله دولت در کنترل و تنظیم بازار کالاهای مذکور باشد. توجه به اصلاح الگوی مصرف و تاکید بر محدود نمودن کالاهای مشمول قیمت‌گذاری به کالاهایی که به‌عنوان نمونه بیشترین سهم را در تامین کالری و سلامت جامعه دارد، می‌تواند در تعیین معیارهای مذکور ملاک عمل قرار گیرد. ۳. بازنگری در ساختار دستورالعمل فعلی قیمت‌گذاری کالا و خدمات از رویکرد «انطباق مصرف‌کننده با قیمت» به‌سمت «انطباق فرآیند تولید و ساختار هزینه با قیمت کشف‌شده در بازار» با تاکید بر ملاحظات بیان شده در بند "۲" به‌منظور ارتقای بهره‌وری منابع و کاهش بهای تمام شده به‌عنوان پیش‌نیازهای ارتقای رقابت‌پذیری و تضمین رفاه جامعه.		